

بررسی دعوی ورود و جلب ثالث در حقوق ایران و آمریکا (فدرال)^۱

علمی - پژوهشی

علیرضا ستوده *

علی پور جواهری **

علی جمادی ***

داریوش بابایی ****

چکیده

هر دعوی دو طرف دارد، خواهان و خوانده اصلی دعوا؛ شاید کسانی هم مانند وکیل، وصی، قیم، ورثه یا قائم‌مقام هم در دعوا نقش داشته باشند اما آنها هم در واقع به تبع همان خواهان و خوانده اصلی وارد دعوا می‌شوند. اگر غیر از خواهان و خوانده اصلی (وابستگان آنها)، شخص دیگری هم در دعوا ذی‌نفع باشد، باید با عنوان «ثالث» وارد دعوا شود؛ «ورود ثالث» یا «جلب ثالث» دارای مقررات خاصی خواهد بود. نتایج این تحقیق نشان داد که در حقوق ایران در مواد قانونی مربوط به دعوی جلب ثالث، شرایط اقامه دعوی مذکور ذکر نشده است. ولی دو شرط مرتبط و یا هم‌منشا وجود دارد. قانون گذار آمریکا برای اقامه این دعوی سه شرط عمل و یا واقعه حقوقی مشترک، امر مشترک حکمی یا موضوعی و داشتن نفع در موضوع اصلی را برای اقامه این سه دعوا پیش‌بینی کرده است که این شروط قانون فدرال آمریکا با قانون آیین دادرسی ایران مشابه است. درباره وارد ثالث وضع کمی متفاوت است. وارد ثالث را همواره نمی‌توان خوانده محسوب کرد که این امر هم در آیین دادرسی مدنی ایران و هم در قانون فدرال آمریکا اثبات شده است.

کلیدواژه‌ها: ورود ثالث، جلب ثالث، حقوق ایران، قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، طرح دعوی کیفری.

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۹/۰۴/۰۲) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۰/۰۹/۲۱)

* دانشجوی دکتری، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج (نویسنده مسؤول)

a_sotoudeh_۸۰@yahoo.com

** استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، a.pourjavaheri@gmail.com

*** استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، jamadiali@gmail.com

**** استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، babaei۵۶@yahoo.com

۱- مقدمه

در یک طرح دعوی کیفری، اشخاص مختلفی دخالت و حضور دارند که از جمله آنها متهم، بزه دیده، شاهد و ... می باشند. از حمایت از بزه دیده و متهم که طرفین اصلی دعوی کیفری هستند، یکی از مسائلی است که همواره ذهن حقوقدانان و قانونگذاران در عرصه حقوق کیفری را به خود معطوف داشته است (عزیزی، ۱۳۸۸، ۷۷). در حقوق ایران قانون گذار به منظور جلوگیری از صدور آرای متعارض، اجرای صحیح عدالت و رسیدگی بهتر، سریع تر، جامع تر و کم هزینه تر امکان رسیدگی واحد به دعاوی اشخاص متعدد نسبت به موضوع دعوا را در یک دادرسی پیش بینی کرده است (احمدی، ۱۳۹۷، ۲۰). در قانون آیین دادرسی کیفری ایران، برای هر دو طرف دعوی، حقوقی مشخص شده اما ممکن است در طول جریان رسیدگی، همین شخص ثالث، حقوق خود را در معرض تضییع دیده و خواستار ورود به جریان دادرسی شود و همچنین این احتمال وجود دارد که طرفین دعوی، احقاق حق خود را در گرو ورود شخص دیگری به جریان رسیدگی بدانند. پیداست که باید در مقررات آیین دادرسی به این امر توجه شود و پیش بینی های لازم برای احقاق حقوق همه اطراف که ممکن است در موضوع یا دعوی واحد، مدعی حقی باشند به عمل آید. آیین دادرسی باید دعاوی مختلف الاطراف را مقرر و مشخص و در جایی که دعوی بین دو طرف مطرح است، راه را برای ورود و دخالت شخص یا اشخاص ثالثی که خود را در آن دعوی، محق و ذینفع می دانند، یا یکی از اطراف دعوی نفع خود را در وارد ساختن ثالث در دعوی می داند، باز و زمینه را برای استماع همه ادعاهای مرتبط و رسیدگی به دلایل ابزاری فراهم آورد (همان، ۱۷). در قانون آیین دادرسی مدنی، ماده ۱۳۰ در مورد ورود شخص ثالث، ماده ۱۳۵ در مورد جلب ثالث و ماده ۴۲۰ هم به اعتراض ثالث که نیازمند تقدیم دادخواست می باشد، پرداخته شده است. همچنین می توان به مواد ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ۱۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز اشاره کرد. در حقوق آمریکا، قانون، یکی کردن دعاوی را تشویق می کند؛ زیرا این امر باعث کاهش تراکم کار دادگاه ها، تسهیل قضاوت و جلوگیری از صدور احکام متناقض نسبت به دعاوی ناشی از یک موضوع می شود. قواعد آیین دادرسی فدرال آمریکا ساز و کارهای قانونی متفاوتی برای رسیدن به این اهداف پیش بینی کرده است. در قانون آ.د.م.ف.آ، قواعد ۱۳، ۱۴ و ۱۵ ناظر به تجمیع ادعاهای قواعد ۱۹، ۲۰ و ۲۳ ناظر به طرفین، قواعد ۲۳ و ۲۴ ناظر به خواهان ها و قاعده ۴۲ ناظر به توأم نمودن دعاوی است. اگر چه این قواعد برای مقاصد متفاوت به کار می روند، ولی زبان مشترک دارند و به همین جهت به همه این قواعد، قواعد ادغام نیز گفته می شود (روبین افرون، ۲۰۱۲، ۷۶). با توجه مطالب فوق، این

تحقیق در پی آن است تا راهکاری را برای ورود و جلب شخص ثالث با توجه به قوانین موجود و محتوای برخی مواد قانونی در حقوق ایران و آمریکا ارائه دهد تا شخص ثالث در موقع رسیدگی به پرونده بتواند به حقوق خود برسد.

۲- حقوق متعلق به ورود ثالث

هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی که خود را در دعوی حقوقی بین دو نفر ذی‌حق بداند یا در حاکم شدن یکی از طرفین خود را ذی‌نفع بداند می‌تواند با تقدیم دادخواست قبل از اعلام ختم رسیدگی وارد در دو حالت وارد دعوی شود (حسن زاده و رضانی، ۱۳۹۴، ۵۳). ۱- شخص ثالث برای خود مستقلاً حقی قائل است مثل این است که در دعوی مدنی بین طرفین اصلی راجع به مالکیت آپارتمانی مطرح است و شخص ثالث با هدف اثبات مالکیت خود وارد دعوی شود و ادعا کند که ملک مورد بحث متعلق به اوست و دعوی خواهان برخوانده بی مورد است. ۲- شخص ثالث مستقلاً حقی برای خود قائل نیست بلکه خود را ذی‌نفع در محق شدن یکی از طرفین اصلی دعوی می‌داند. مثلاً دعوایی در خصوص مالکیت ملکی که خواهان و خوانده هر یک خود را مالک آن می‌دانند مطرح است و سابقاً شخص ثالثی که حق ارتفاق آن ملک را از خوانده خریداری کرده بخواهد برای اثبات مالکیت خوانده و کمک به او وارد دعوی شود، زیرا شکست او در دعوی باعث از بین رفتن حق ارتفاق مزبور می‌شود (بهرامی، ۱۳۸۹، ۶۰؛ سخی، ۱۳۸۹، ۲۸).

۳- حقوق متعلق به جلب ثالث

شخصی که به دادرسی جلب شده چون حکم خوانده را دارد، می‌تواند از تمامی حقوق خوانده از جمله ادعای تقابل و سایر ایرادات برخوردار باشد. همچنین اگر دادخواست جلب ثالث ناقص باشد و پس از اخطار رفع نقض از جانب مدیر دفتر تکمیل نشود قرار رد آن صادر می‌گردد یا این که ثالث برای توضیح حاضر نگردد، قرار ابطال دادخواست صادر می‌شود یا بر اثر محرز نبودن سمت خواهان قرار رد دعوی صادر می‌گردد. البته رد یا ابطال دادخواست یا رد دعوی ثالث مانع ورود او در مرحله تجدید نظر نخواهد بود. از جمله شرایط دیگر این که، دعوی جلب ثالث به شرط داشتن ارتباط با دعوی اصلی یا دارای منشأ واحد بودن، قابل طرح است و از دعوی اصلی چه از جهت

رسیدگی و چه از جهت حکمی تبعیت می‌کند. در واقع، دعوی طاری دعوایی است که در اثناء رسیدگی به دعوی دیگر از طرف اصحاب دعوی یا ثالث اقامه می‌شود، خواه اصحاب دعوی یا ثالث بر یکدیگر اقامه کنند یا بر ثالث و یا ثالث بر یکی از اصحاب دعوی اقامه کند (سخی، ۱۳۸۹، ۱۲).

۴- جلب ثالث در حقوق ایران

در جلب ثالث، شخص ثالث به اختیار خود در دادرسی دخالت نمی‌کند، بلکه یکی از طرفین دعوی اصلی، شخص دیگری را که به زعم او مسئولیت تمام یا قسمتی از دعوا متوجه اوست به دادرسی دعوت می‌کند تا به همان اندازه، مسئولیت او کم شود؛ چرا که اگر بدون دخالت شخص ثالث، دادرسی انجام گرفته و حکم صادر شود، ممکن است شخص ثالث، مفاد آن نپذیرفته و حتی به آن اعتراض کند و کار را دشوار نماید (اسدزاده طالعی و داور، ۱۳۹۵، ۴۹). در ماده ۱۷۳ قانون مذکور نیز آمده که: متهمی که بدون عذر موجه حضور نیابد یا عذر موجه خود را اعلام نکند، به دستور باز پرس جلب می‌شود. در تبصره ماده ۲۰۴ همین قانون دوباره واژه جلب در مورد شاهد یا مطلع بعد از بیان این مطلب که اگر بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات ذی ربط، شخصی که حضور یا تحقیق از وی را برای روشن شدن موضوع ضروری تشخیص دهد، برابر مقررات احضار می‌کند، این چنین به کار رفته است: در صورتی که شاهد یا مطلع برای عدم حضور خود عذر موجهی نداشته باشد جلب می‌شود؛ اما در صورتی که عذر موجهی داشته باشد و بازپرس آن عذر را بپذیرد، مجدداً احضار و در صورت عدم حضور جلب می‌شود. قانون آیین دادرسی مدنی در ماده ۱۳۵ با عبارت چه دعوا در مرحله نخستین باشد یا تجدید نظر، اقامه دعوی جلب ثالث در مرحله تجدید نظر را مقرر کرده است. با توجه به اینکه قانونگذار ماده ای به جلب ثالث در مرحله تجدید نظر اختصاص نداده، به ذکر جزئیات آن نپرداخته و به عبارت مختصر مذکور اکتفا کرده است و نیز پرسش‌ها و ابهاماتی در این باره مطرح است که نیاز به بررسی دارد و مهم‌ترین آن، چگونگی مهلت دعوی جلب ثالث در مرحله تجدید نظر می‌باشد. ماده ۱۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی، مانند ماده ۱۳۵ همان قانون، اظهار در جلسه و تقدیم دادخواست ظرف مدت سه روز را مقرر کرده است. بر این اساس،

واخوانده در مرحله واخواهی مانند خواهان یا خوانده در مرحله بدوی دعوی می‌تواند تا پایان جلسه اول دادرسی دادخواست جلب ثالث تقدیم کند، یا در جلسه اظهار کند و تا سه روز پس از جلسه، دادخواست تقدیم کند. ماده ۱۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی در این باره مقرر می‌دارد: شخص ثالث که جلب می‌شود، خوانده محسوب و تمام مقررات راجع به خوانده درباره او جاری است... بر این مبنا، ثالث مجلوب بی‌گمان حق دفاع از طریق طرح دعوی متقابل را دارد. ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی نیز از این دعوا با عنوان دعوایی که از طرف شخص ثالث اقامه شود، نام برده است (همان، ۶۷).

بنابراین جلب مورد استفاده در مواد آیین دادرسی کیفری در مورد اشخاصی همچون شهود و متهم بوده و نباید آن را جلب شخص ثالث یکی دانست، چون منظور از جلب در اینجا بازداشت شخص است. حتی برخی نیز درباره جلب ثالث در دادرسی کیفری چنین برداشتی کرده و بیان نموده اند که: دخالت اشخاصی که به کلی از دعوی جزایی خارج هستند و شخص ثالث به معنای شخصی که نه مجرم است و نه قربانی و زبان دیده از جرم به شمار می‌روند از قبیل شاهد و اهل خبره و نظایر آن نیز در دادرسی کیفری امری ممنوع نبوده و به جهات مختلف قابل قبول است؛ در ادامه در باب جلب ثالث گفته شده که: ممکن است شاکی برای اثبات ادعای خود شهودی را معرفی کند. شاکی با معرفی این اشخاص به دادگاه، موجب می‌شود که دادگاه آنها را به دادگاه احضار و در صورت عدم حضور وفق مقررات جلب خواهد نمود (صابر و خلیق آذر، ۱۳۹۶، ۲۲۷).

۵- جلب ثالث در حقوق آمریکا

دعوی جلب ثالث که به رویه شخص ثالث معروف است از اوایل سال ۱۸۷۲ در حقوق انگلستان و در حقوق دریایی آمریکا از سال ۱۸۸۲ به کار برده می‌شد. بر طبق قاعده ۱۴ قانون آ.د.م.ف.آ، خوانده اصلی به عنوان خواهان دعوی ثالث می‌تواند علیه شخص ثالث، اقامه دعوا نماید. اگر تنظیم شکایت شخص ثالث بیشتر از ۱۴ روز بعد از پاسخ به دعوی اصلی باشد، خواهان شخص ثالث باید اجازه دادگاه را کسب نماید. به بیان دیگر، خوانده می‌تواند شخص ثالث را که قبلاً طرف دعوا نبوده اما ممکن است نسبت به ادعای طرف مقابل مسئول باشد، به دادگاه جلب می‌کند.

نماید، این دعوا اگر در مهلت قانونی مطرح شود به اجازه دادگاه نیاز ندارد، ولی اگر بعد از مهلت قانونی اقامه شود، در صورتی پذیرفته است که اجازه طرح آن از دادگاه اخذ شود (غمامی، ۱۳۸۳، ۲۶).

در حقوق آمریکا خواهان دعوای اصلی وقتی می تواند شخص ثالثی را به دادرسی جلب نماید که از طرف خواننده دعوای اصلی یا خواننده دعوای جلب ثالث علیه او دعوای متقابل اقامه شده باشد. دعوای جلب ثالث در حقوق آمریکا اجباری نیست و ممکن است شخصی که مستحق دریافت خسارت است تمایلی به طرح این دعوا نداشته باشد. به همین دلیل هر چند استفاده از این شیوه مناسب است، ولی در بیشتر موارد از آن استفاده نمی شود (پوداست، ۱۹۸۲، ۱۲۴۶). قاعده ۱۹ قانون آ.د.م.ف. آ، تصریح دارد: اگر شخصی به دعوا نپیوندد، دادگاه دستور خواهد داد که شخص غایب به عنوان طرف دعوا قرار گیرد. اگر شخصی باید به عنوان خواهان (به دعوا) بپیوندد اما از انجام چنین اقدامی، امتناع نماید، شخص غایب ممکن است به عنوان خواننده تلقی شود، یا در مورد مقتضی و مناسب، بدون اراده ایشان به عنوان خواهان تلقی شود.

۶- ورود ثالث در حقوق ایران

مبحث دعوای ورود ثالث در آیین دادرسی کیفری مطرح نشده است و به همین دلیل تعریفی هم از آن در میان مباحث آیین دادرسی کیفری وجود ندارد و تعاریف ذکر شده برای ورود ثالث در مباحث مربوط به آیین دادرسی مدنی است؛ اما با توجه به این تعاریف، مشخص می شود که تفاوت چندانی میان تعاریف این مبحث در دو آیین دادرسی ذکر شده وجود ندارد (حسن زاده، ۱۳۹۰، ۹۲).

مواد ۱۳۰ تا ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ مدنی به مبحث «ورود شخص ثالث» اختصاص یافته است. ماده ۱۳۰ این قانون مقرر می دارد: هرگاه شخص ثالثی در موضوع دادرسی اصحاب دعوای اصلی بر خود مستقلاً حقی قائل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذینفع بداند، می تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد چه این که رسیدگی در مرحله بدوی باشد یا در مرحله تجدیدنظر. این صورت نامبرده باید دادخواست خود را به دادگاهی که دعوا در آنجا مطرح است تقدیم و در

آن منظور خود را به طور صریح اعلام نماید.

برای اقامه دعوی ورود شخص ثالث می‌بایست قبلاً دعوایی تحت عنوان «دعوی اصلی» میان خواهان و خوانده مطرح و در جریان رسیدگی باشد، شخص ثالث صرفاً مدعی استحقاق حقی در موضوع دعوی اصلی جهت خویش شود دعوی ورود شخص ثالث زمانی اصلی محسوب می‌شود که شخص ثالث در موضوع دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قائل باشد. در مقابل چنانچه ثالث خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوی اصلی ذی‌نفع بداند، دعوی ورود شخص ثالث «تبعی» خواهد بود. نفع مذکور اعم است از نفع مادی یا معنوی. بنابراین همانطوری که در صورت ورود هرگونه خسارت به منفعت مادی، ذی‌نفع می‌تواند جبران خسارت و اعاده وضع را بخواهد، در مورد منافع معنوی هم هرگاه شخص مورد تعرض قرار بگیرد، به عنوان ذی‌نفع می‌تواند درخواست جبران ضرر و زیان وارده را داشته باشد (جعفری مجد، ۱۳۹۱، ۸۷).

از حیث زمانی امکان ورود ثالث تا زمانی که ختم رسیدگی اعلام نشده باشد، وجود دارد؛ چه در مرحله بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر و اصولاً ختم دادرسی هم‌زمانی صورت می‌گیرد که دادگاه از رسیدگی و بررسی موضوع خواسته فراغت حاصل کند در نهایت پس از تجمیع شرایط فوق بایستی دادخواست ورود شخص ثالث با ذکر صریح مقصود از آن، تقدیم دادگاه شود. به نظر می‌رسد تصریح قانونگذار در ماده ۱۳۰ ق.آ.د.ع.ا.م. مصوب ۱۳۷۹ از این که «در دادخواست منظور خود را به طور صریح اعلان نماید» این بوده است که شخص ثالث هدف و علت اقامه دعوا و تقدیم دادخواست خود را مشخص و ابراز کند آیا ادعای حق مستقلی نسبت به خواسته دارد یا خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوی اصلی ذی‌نفع می‌داند همچنین عدم تبیین این امر ضمانت اجرای اخطار رفع نقص را به دنبال ندارد بلکه دادگاه باید به این موضوع رسیدگی کند (هرمزی، ۱۳۹۵، ۶۴). ماده ۴۴۱ قانون آیین دادرسی در امور مدنی نیز مقرر می‌دارد: در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند وارد دعوا شود. بنا بر این ماده و با توجه به اینکه اعاده دادرسی یکی از طرق فوق‌العاده رسیدگی به دعواست و این مرحله برای موارد خاص مقرر شده است، امکان ورود ثالث در این مرحله وجود ندارد. در مرحله داوری نیز بنا بر تصریح ماده ۴۷۵ همان قانون شخص ثالث در صورت توافق با طرفین دعوا در خصوص ارجاع به داوری و تعیین داور یا داوران می‌تواند در داوری حضور داشته

باشد و در صورت عدم توافق به ادعای شخص ثالث، موضوع به صورت مستقل در محکمه رسیدگی می‌شود.

۷- ورود ثالث در حقوق آمریکا

در آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، ورود شخص ثالث روشی است که شخصی غیر از طرفین اصلی دادرسی به خواست و اراده خود تبدیل به یکی از اشخاص دخیل در پرونده می‌شود. نیاز به ورود ثالث بر حسب عواقب مضر احتمالی که منافع وی را به خطر می‌اندازد سنجیده می‌شود. انگیزه ورود ثالث برای حفظ منافع در معرض تضییع قرار گرفته، این است که این روش سریع‌تر و ارزان‌تر از یک دادرسی مستقل نتیجه می‌دهد (شرو، ۱۹۷۹، ۸۹۴). اجازه ورود ثالث هم زمانی که موجب سردرگمی در رسیدگی با تبعیض ناعادلانه‌ای نسبت به یکی از طرفین دعوا شود، داده نخواهد شد. یکی از اهداف این نوع مداخله (ورود شخص ثالث)، اجتناب از تناقض نتایج رسیدگی است. علی‌رغم بسیاری از منافع ورود ثالث، معیار مداخله گسترده می‌تواند ناکارآمدی دادرسی را به وجود آورد؛ چون باعث پیچیدگی در یک دادرسی شده و حاشیه‌های زیادی را به دنبال خواهد داشت؛ اما در مقابل می‌توان گفت که درست است که اشخاص اضافه شده به پرونده‌های در حال رسیدگی، پیچیدگی‌های پرونده جاری را افزایش می‌دهند، اما از طرف دیگر ممکن است به کاهش زمینه‌های رسیدگی دوباره به پرونده در آینده کمک کند (گانتر، ۲۰۱۳، ۶۴۵).

۸- نتیجه‌گیری

بررسی صورت گرفته، نشان داد که قانون‌گذار در مواردی که دعوی شخص ثالث جنبه مالی و مادی دارند، دخالت اشخاص ثالث را به رسمیت شناخته است. البته به رسمیت شناختن مداخله این اشخاص در قانون به صورت صریح نبوده و از محتوای برخی مواد قانونی موجود، این نتیجه به دست می‌آید. اولین قانونی که این نوع از مداخله را مورد پذیرش قرار داده است، قانون آیین دادرسی مدنی می‌باشد. مهم‌ترین نتایج حاصل از تحقیق حاضر به صورت زیر است:

۱- در حقوق ایران و آمریکا در خصوص دعوی جلب و ورود شخص ثالث شباهت‌های زیادی وجود دارد که یکی از آنها وجود مهلت سه روزه برای دفاع شخص ثالث می‌باشد.

- ۲- قواعد آیین دادرسی فدرال آمریکا ساز و کارهای قانونی متفاوتی برای ادغام دعوی اشخاص پیش بینی کرده است. از مهم ترین این قواعد، سه مورد به قوانین حقوقی جلب و ورود شخص ثالث در حقوق ایران شبیه است که عبارتند از: الحاق (قواعد ۱۹ و ۲۰)، جلب ثالث (قاعده ۱۴) و ورود ثالث (قاعده ۱۳ و ۱۶).
- ۳- در حقوق ایران در مورد خسارت دادرسی، وارد ثالث از مقررات عمومی تبعیت می کند و اگر مشارالیه محکوم علیه واقع شود، باید خسارت بپردازد و اگر محکوم له شود، حق مطالبه خسارت دارد که این امر با حقوق فدرال آمریکا و حقوق فرانسه مشابه است.
- ۴- در حقوق ایران در مواد قانونی مربوط به دعوی جلب ثالث، شرایط اقامه دعوی مذکور ذکر نشده است. ولی دو شرط مرتبط و یا هم منشا وجود دارد. قانون گذار آمریکا برای اقامه این دعوی سه شرط عمل و یا واقعه حقوقی مشترک، امر مشترک حکمی یا موضوعی و داشتن نفع در موضوع اصلی را برای اقامه این سه دعوا پیش بینی کرده است که این شروط قانون فدرال آمریکا با قانون آیین دادرسی ایران مشابه است.

منابع

- احمدی، خلیل (۱۳۹۷)، تاملی در دعوی جلب شخص ثالث در حقوق ایران و قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا، مجله پژوهش های حقوق تطبیقی، دوره ۲۲، شماره ۳.
- اسدزاده طالعی، سیمین؛ داور، منوچهر (۱۳۹۵)، مطالعه تطبیقی دعوی متقابل در حقوق ایران و ایالات متحده آمریکا، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۳۰.
- بهرامی، بهرام (۱۳۸۹)، بایسته های ادله اثبات، دعوی حقوقی و کیفری، علمی، تطبیقی و کاربردی منطبق با سر فصل ادله اثبات دعوی، تهران: نگاه بینه.
- جعفری مجد، محمد (۱۳۹۱)، احکام دعوی جلب ثالث در دیوان عدالت اداری، دو فصلنامه علمی و پژوهشی دانش حقوق مدنی، شماره دوم.
- حسن زاده، مهدی (۱۳۹۰)، مهلت اقامه دعوی اضافی؛ حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۹.
- حسن زاده، مهدی؛ رضانی، سارا (۱۳۹۴)، تحلیل جلب ثالث تقویتی و مقایسه آن با شهادت، پژوهش های حقوق خصوصی و کیفری، شماره ۲۶.
- سخی، مرضیه (۱۳۸۹)، طواری ناشی از دخالت اشخاص ثالث در دادرسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

- صابر، محمود؛ خلیق آذر، سمیه (۱۳۹۶)، مداخله شخص ثالث در دادرسی کیفری؛ جلوه‌ها و موانع، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۴، شماره ۲، پیاپی ۹، ص ۲۲۷-۲۴۸.
- عزیزی، علیرضا (۱۳۸۸)، پیشینه و مبانی حمایت از بزه دیده و متهم در فرایند دادرسی کیفری، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۴.
- غمامی، مجید (۱۳۸۳)، دعوی متقابل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، ص ۲۲۵.
- مرادخانی، احمد (۱۳۹۵)، شرایط گواهان در فقه فریقین (باتوجه به قانون)، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، دوره ۱۲، شماره ۴۳، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۴۵-۱۶۴.
- هرمزی، خیرالله (۱۳۹۵)، دعوی ورود ثالث تبعی در حقوق ایران و فرانسه، دو فصلنامه علمی و پژوهش دانش حقوق مدنی، سال پنجم، شماره دوم، پیاپی ۱۰.
- Gunter, Justin P (۲۰۱۳), "*Dual standards for third-party intervener's: distinguishing between public-law and private-law intervention.*" *Vend. L. Rev.* ۶۶.
- Potthast, Catherine (۱۹۸۲), "*Criminal Law —Constitutional Law— Intervention — Media May Intervene in Criminal Cases to Contest Orders Restricting Publicity*". *News American v. State*, ۲۹۴ Md. ۳۰, ۴۴۷A.۲d ۱۲۶۴.
- Robin Effron, the Shadow Rules of Joinder, ۱۰۰ *Geo. L. J.* ۷۵۹, ۲۰۱۱-۲۰۱۲.
- Shreve, Gene R (۱۹۷۹), "*Questioning Intervention of Right--Toward a New Methodology of Decision-making.*" *Nw. UL Rev.* ۷۴.